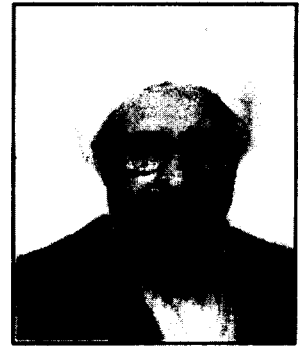


درگذشتگان

آیت الله خالصی



حاج شیخ محمدباقر خالصی قائمی، یکی از افاضل حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در شب جمعه ۱۹ شوال ۱۳۶۱ ق (۸ آبان ۱۳۲۱ ش) در روستای بیهود، از توابع قائن در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس خالصی، از شاگردان آیات عظام: سیدابوالحسن اصفهانی، آفاضیاء عراقی و شیخ موسی انصاری بود که سال‌ها در شهرستان سرایان و اطراف، سمت رهبری دینی مردم را بر عهده داشت. وی، مقدمات را نزد پدرش آموخت و در ۱۳۷۴ ق به مشهد مقدس رفت و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری فراگرفت و آنها را با حضرات، حجج

اسلام آقایان: امین شیرازی و فاخر خراسانی مباحثه می نمود. وی در سال ۱۳۴۱ ش (۱۳۸۱ ق) به قم مهاجرت کرد و رسائل و مکاسب را نزد حضرات آیات: نوری همدانی، مشکینی و طباطبایی سلطانی فرا گرفت و پس از آن به نجف اشرف رفت و پس از گذراندن کفایه، نزد مرحوم آقا شیخ صدرا بادکوبی به درس خارج آیات عظام: خوبی، شاهرودی و سید محمدروحانی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. معظّم له، در سال ۱۳۵۰ ش به درخواست پدر بزرگوارش به ایران آمد و در قم ساکن شد و به درس های آیات عظام: گلپایگانی (درس حج) و شریعتمداری (خارج مکاسب) حاضر شد و همزمان به تدریس و تألیف اشتغال جست. او علاوه بر این، سال‌ها به تبلیغ دین در اراک و کاشان پرداخت و بسیاری از جوانان را با مبانی دینی آشنا ساخت. ایشان در سال‌های بیماری پدر بزرگوارش و پس از وفات وی، در زادگاهش به خدمات دینی و اجتماعی مختلف پرداخت که از آن جمله: توسعه

مسجد جامع سرایان، تأسیس صندوق خیریه امام زمان، جلسات تفسیر قرآن و مجالس و مناظر دینی را می توان نام برد. او در حوزه علمیه قم سال‌ها به تألیف و تحقیق و تدریس سطوح عالی و خارج اصول اشتغال داشت که این روند تا پیش از بیماری وی ادامه یافت.

آثارش عبارتند از:

۱. تحقیق کتاب «مفتاح الکرامة» (۲۵ ج)؛
۲. احکام المحبوسین؛
۳. رفع الغرر عن قاعده لاضرر؛
۴. ترجمه تفسیر طبری (۲ ج)؛
۵. سدیف، شاعر انقلاب کربلا؛
۶. سیری در معارف اسلامی؛
۷. ده انتقاد و پاسخ (در موضوع مهدویت): ترجمه «الفصول العشرة» شیخ مفید؛
۸. وهابیت؛
۹. شعار انقلاب؛
۱۰. اصول علمی انقلاب؛
۱۱. نقش ادیان در مبارزات ضد استعماری؛

و معاون جنگ دانشگاه گیلان بین سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۶ بودند. رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۱۳۷۰-۱۳۷۶)، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه گیلان (۱۳۷۴-۱۳۷۵)، مسئول بسیج اساتید گیلان از ۱۳۸۰ تا کنون، عضو شورای فرهنگ عمومی استان گیلان، عضو شورای فرماندهی سپاه لنگرود در سال ۱۳۵۹، عضو مسئول حزب جمهوری اسلامی لنگرود (۱۳۶۱-۱۳۶۳) از دیگر عرصه‌هایی است که ایشان در آنها حضور داشتند.

دکتر رحمدل با شروع انقلاب همگام با مردم بود و حضوری فعال در سرودن اشعار جنگ داشت. وی به راحتی شعر می‌گفت و برای یافتن قافیه دچار دردسر نمی‌شد؛ شعر جزئی از وجود او شده بود. طبع ایشان در شعر گفتن بسیار روان بود؛ و به راحتی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کرد. دکتر رحمدل به گفتن شعر عشق می‌ورزید و سخنان خود را با شعر بیان می‌کرد.

ایشان در طول دوران پربار و شریف زندگی خویش، برنده جوایز متعددی در زمینه‌های نقد و پژوهش ادبی، شعر و دفاع مقدس شدند که در زیر به بخشی از مقام‌های علمی ایشان اشاره می‌شود:

برنده مسابقه شعر جنگ و دریافت دیپلم افتخار از وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۰)، دریافت دیپلم افتخار هشت سال دفاع مقدس از معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا (۱۳۶۸)، احراز مقام نخست در دومین جشنواره سراسری دانشگاهیان ایران ویژه عزت و افتخار حسینی (بهمن ۱۳۸۱)،

کتاب‌های چاپ شده ایشان عبارتند از:

۱. مسابقه شهر جنگ؛
۲. رباعی امروز؛
۳. از زمزمه تا فریاد؛
۴. مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی؛
۵. ضیافت نور؛
۶. مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی فرهنگ و ادبیات گیلان؛
۷. گلوازه؛
۸. بهشت همین جا بود؛
۹. از کربلا تا حره؛
۱۰. حماسه آب؛
۱۱. حاکم حکیم؛
۱۲. تذکره شهدای کربلا؛
۱۳. گزیده ادبیات معاصر؛
۱۴. صدای ما را از بهشت می‌شنوید؛
۱۵. گلوازه‌های چاه و آه؛
۱۶. ما ایستاده‌ایم؛
۱۷. چشیدن دریا؛
۱۸. حماسه عطش؛
۱۹. شکفتن طوفان؛
۲۰. بال بال ثانیه‌ها؛
۲۱. رنگ و درنگ آب؛
۲۲. عروج.

دکتر رحمدل پس از اتمام تحصیلات و اخذ دکتری، مشغول تدریس در مراکز علمی و فرهنگی شد و نیز در مشاغل گوناگونی از جمله موارد ذیل وارد شدند:

در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ ریاست آموزش و پرورش لنگرود را بر عهده داشت و معاون اداری و مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۶ بود؛ همچنین از سال ۱۳۶۳-۱۳۶۵ رئیس آموزش و پرورش بندرانزلی

۱۲. اسلام شناسی؛

۱۳. پیامبر باسواد.

آثار غیر چاپی او نیز به شرح ذیل است:

۱. اصول المسائل؛
 ۲. شرح بر «المعه» (استدلالی و ناتمام)؛
 ۳. الوفاق بین العامة والامامیة (ناتمام)؛
 ۴. الاستصحاب والتعادل والتراجیح.
- وی، پس از یک دوره بیماری، در ۶۷ سالگی، روز یکشنبه ۱۳ ذی قعدة ۱۴۳۰ ق (۱۰ آبان ۱۳۸۸ ش) بدورد حیات گفت و در روز دوشنبه پس از تشییع و نماز حضرت آیت الله سبحانی بر پیکرش، در قبرستان علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

ناصرالدین انصاری قمی

*

دکتر غلامرضا رحمدل

دکتر غلامرضا رحمدل شرفشاده نویسنده و پژوهشگر و شاعر فرهیخته انقلاب اسلامی در سال ۱۳۳۰ در لاهیجان در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. ایشان در دوران کودکی به مدت دو سال به یادگیری قرآن در مکتبخانه زادگاهش پرداخت.

دکتر رحمدل پس از گذراندن مقطع ابتدایی و دبیرستان وارد دانشگاه شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی موفق به اخذ کارشناسی شده و در سال ۱۳۶۴ در همین رشته کارشناسی ارشد گرفت. دکتر رحمدل در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ دکتری خود در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس شد.

وی علاوه بر تحقیق و نوشتن به سرودن اشعار علاقمند بود: برخی از

احراز مقام سوم در مسابقه سراسری عباس (ع) باب الحوائج در بخش مقاله (خردادماه ۱۳۸۳)، برگزیده کتاب سال دفاع مقدس (۱۳۸۶) برای کتاب گذاره های چاه و آه، برگزیده مسابقه نقد کتاب (۱۳۸۶) با مقاله «نگاهی به نقد ادبی» از سوی سرای اهل قلم.

سرانجام این استاد نام آور و فرهیخته به علت سکتۀ مغزی عصر روز سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۸۸ در بیمارستان گلزار رشت دار فانی را وداع گفت. درگذشت او ضایعه ای بزرگ برای ادبیات و فرهنگ ایران بود و باعث دلشکستگی بسیاری از دوستداران اهل قلم و ادب شد. روحش شاد و راهش مستدام باد.

*

دکتر محمد امین ریاحی

استاد دکتر محمد امین ریاحی، ایران شناس و استاد سخن زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۰۲ ش در شهرستان خوی در بیت علم، تقوا و فضیلت، دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در خوی گذراند و موفق به اخذ دیپلم شد. و برای طی دوره های عالی به تهران رهسپار شد و در دانشکده ادبیات تهران مشغول به تحصیل شد و موفق به اخذ درجه لیسانس شد. و در همان دانشکده تا اخذ دکتری تلاش کرد. از استادان وی می توان به بدیع الزمان فروزانفر، استاد همایی و دکتر ذبیح الله صفا اشاره کرد.

دکتر ریاحی پس از فراغت تحصیل به تدریس ادبیات پرداخت و پیوسته در مشاغل علمی و فرهنگی انجام وظیفه می کرد. پاره ای از مشاغل و خدمات

ایشان بدین شرح می باشد:

۱. استادی دانشگاه آنکارا؛
۲. عضو هیئت مؤلفان لغتنامه دهخدا؛
۳. استادی دانشگاه تهران؛
۴. مدیر ملی وزارت فرهنگ سابق؛
۵. رایزن فرهنگی ایران در کشور ترکیه؛
۶. دبیر کلی هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور؛
۷. نیابت فرهنگستان ادب و هنر ایران؛
۸. ریاست دانشکده هنرهای دراماتیک؛
۹. ریاست بنیاد شاهنامه فردوسی؛
۱۰. وزیر آموزش و پرورش.

همچنین ایشان در مطبوعات فعالیت هایی همچون سردبیری هفته نامه مهرگان، مدیریت مجله کیهان فرهنگی، آموزش و پرورش و سیمرخ را بر عهده داشتند.

زنده یاد دکتر ریاحی در طول زندگی علمی خود، آثار گران بهایی در زمینه تألیف و تصحیح از خود به یادگار گذاشته است و هر که بخواهد در ادب و فرهنگ این مرز و بوم کاری انجام دهد، ناگزیر است از این آثار بهره جوید:

آثار زیر تصحیح ایشان است:

۱. جهان نامه؛ محمد بن نجیب بکران طوسی؛ تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲ ش.
۲. مفتاح المعاملات؛ محمد بن ایوب طبری؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ش.
۳. مرصاد العباد؛ نجم الدین ابوبکر بن محمد شاماوربن انوشیروان رازی

(نجم دایه)؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ ش (۸ ج، ۱۳۷۹). اثر حاضر رسالۀ دکتری استاد ریاحی در رشته زبان و ادبیات فارسی است که زیر نظر استاد بدیع الزمان فروزانفر به انجام رسید.

۴. رتبة الحیات و رسالۀ الطیور؛ خواجه یوسف همدانی و نجم دایه؛ تهران: توس، ۱۳۶۲ ش.
۵. عالم آرای نادری؛ محمد کاظم مروی، وزیر مرو؛ ۳ ج، تهران: زوار، ۱۳۶۴ (۳ ج)، علمی و نشر علم، ۱۳۷۹ ش، با تجدید نظر).
۶. نزهة المجالس؛ جمال خلیل شروانی؛ تهران: زوار، ۱۳۶۴ ش (۲ ج، علمی، ۱۳۷۵).
۷. شش فصل: به ضمیمه عمل و الاقاب؛ محمد بن ایوب طبری؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.

تالیفات

۱. کسای مروزی زندگی، اندیشه و شعر او؛ تهران: توس، ۱۳۶۷ ش. در این کتاب دکتر ریاحی اکثر قصاید و اشعار پراکنده کسای را یافته و آنها را به صورت یک کتاب جامع و کامل آورده است.
۲. تاریخ خوی؛ تهران: توس، ۱۳۷۲ ش. این اثر یکی از تالیفات ارزنده و مهم استاد می باشد که دارای ۲۹ فصل است و در آن به سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی شهرهای ایران اشاره شده است.
۳. زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی؛ تهران: پازنگ، ۱۳۶۹ ش. مقالات:

استاد ریاحی مقالات بسیاری تألیف کرده اند که از آن جمله به موارد زیر

می‌توان اشاره کرد:

۱. «۴۰ گفتار در ادب»،

۲. «تاریخ و فرهنگ»،

۳. «ترتیب شمس تبریز کجاست؟»

استاد دکتر توفیق سبحانی یکی از دوستان و مریدان ایشان، دربارهٔ دکتر این گونه می‌گوید:

استاد ریاحی حافظه بسیار توانایی داشتند. مطلبی که من در سال ۱۳۵۳ ش از ایشان شنیده بودم، در سال ۱۳۸۵ ش در مجلسی آن را برای دیگران نقل می‌کردند. پس از گذشت ۳۳ سال روایت، مویی فرق نداشت. دنبال کسی حرف نمی‌زدند، حتی افرادی که فقها جایز الغیبه می‌دانند. از استادان خود همیشه به احترام نام می‌بردند؛ به هر حال استاد ریاحی از انسان‌هایی هستند که وجودشان برای اهل قلم و ادب غنیمت است.

از استاد در همایشی با عنوان «شمس و مولانا» که در شهرستان خوی برپا شد، به خاطر تحقیقاتش در زمینه شمس و مولانا قدردانی شد؛ همچنین او به عنوان نویسندهٔ برتر کتاب سال نیز در دو نوبت مورد تجلیل قرار گرفت.

این نویسنده و پژوهشگر نامی صبح روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ در پی بیماری قلبی در سن ۸۶ سالگی درگذشت و در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا چهره در نقاب خاک کشید.

*

اسماعیل فصیح

اسماعیل فصیح رمان‌نویس و پیشکسوت ترجمه، در دوم اسفندماه سال ۱۳۱۳ ش در یکی از محله‌های قدیمی تهران با نام «درخونگاه» (نزدیک بازار تهران) در یک خانواده نسبتاً پرجمعیت دیده به جهان گشود.

زندگی استاد مقارن جنگ‌های جهانی دوم - که تازه شروع شده بود - آغاز گشت. وی از همان ابتدای کودکی علاقه شدیدی به خواندن داشت؛ تا جایی که در یکی از خاطرات خود این گونه می‌نویسد: «در سن پنج، شش سالگی شروع به قصه‌خوانی کردم، ولی چون سواد خواندن نداشتم، یکی از خواهرانم برای کتاب‌کرایه می‌کرد و آن را تا پاسی از شب برایم بلند بلند می‌خواند تا بعد از مدت‌ها خود توانستم این کار را انجام دهم».

ایشان علاقهٔ وافری به درس خواندن داشت، همین امر باعث ورود ایشان به عرصه تحصیل شد؛ مقطع دبستان را در مدرسه عنصری طی کرد و بعد از آن وارد دبیرستان رهنما شد و توانست این مقطع را هم با موفقیت به اتمام برساند.

استاد به همین مقدار تحصیل بسنده نکرد، در اوایل سال ۱۳۳۵ ش، پس از چند سال تحصیل همراه با کار، ایران را برای ادامه تحصیل به مقصد آمریکا و فرانسه ترک گفت. وی ابتدا به مانتانا و آن‌جا به شهر بوزمن رفت و مشغول درس و تحصیل شد و توانست لیسانس شیمی بگیرد. بعد از آن به ایالت کالج مانتانا بازگشت و بعد از یک سال تحصیل در این ایالت، موفق به اخذ درجهٔ لیسانس ادبیات انگلیسی شد.

استاد فصیح بعد از چند سال تحصیل در خارج سرانجام تصمیم می‌گیرند به ایران بازگردند. ایشان بعد از ورود به ایران به درخونگاه می‌روند و بعد از اقامت در آن‌جا و انجام صلح با دوستان و خویشاوندان در تهران مشغول کار می‌شوند. در تهران با بزرگان اهل قلم چون صادق چوبک و غلامحسین ساعدی آشنا می‌شوند. این آشنایی سبب می‌شود صادق چوبک که علاقهٔ شدیدی به استاد داشت، ایشان را به شرکت نفت معرفی کند و آنها هم که به سوابق ایشان پی بردند، از استاد استقبال کردند و وی استخدام رسمی شرکت نفت شد.

بعد از مدتی از طرف شرکت نفت برای یک سفر علمی، پژوهشی به امریکا رفت. او به سبب استعداد و علاقه‌ای که به تحصیل داشت، خیلی زود موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته ادبیات انگلیسی شد.

استاد در سه حوزه رمان، ترجمه و مجموعه داستان کوتاه قلم زدند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) رمان

۱. شراب خام؛

۲. داستان جاوید؛

۳. ثریا در اغما؛

۴. درد ستیاوش؛

۵. زمستان ۶۲؛

۶. شهباز و جغدان؛

۷. فرار فروهر؛

۸. باده کهن؛

۹. امیرزمان؛

۱۰. پناه بر حافظ؛

۱۱. کشته عشق؛

۱۲. طشت خون؛